

مناسبات پیشرفت و تربیت در تاریخ آموزش و پرورش ایران از دوره‌ی باستان تا پایان دوره‌ی پهلوی

شهین ایروانی^۱، علی وحدتی دانشمند^۲

چکیده

این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی در پی بررسی نسبت ویژگی‌های آموزش و پرورش دوره‌های مختلف تاریخ ایران با مؤلفه‌های تمدنی اسلامی می‌باشد. این مؤلفه‌ها بر اساس آراء اندیشمندان مسلمان در پنج بعد علمی - آموزشی، فرهنگی - اجتماعی، مذهبی - اخلاقی، اقتصادی - رفاهی و سیاسی - حکمرانی دسته‌بندی شده‌اند که جمعاً بیست و شش مؤلفه را در بر می‌گیرد. نتایج بررسی مؤید آن است که در میان این ابعاد، توجه به ابعاد فرهنگی - اجتماعی و مذهبی - اخلاقی بیشتر بوده و در بعد علمی - آموزشی، نظام تعلیم و تربیت در هیچ یک از ادوار تاریخی، توجه بایسته به مقوله‌ی تفکر نداشته است. در میان مؤلفه‌های تمدن اسلامی به طور کلی مؤلفه‌های کسب معرفت و علم‌آموزی، تزکیه، تقوا، خداپاوری، اعتقاد به زندگی پس از مرگ و نگاه اصیل به خانواده در نظام آموزشی بیشتر مورد توجه بوده‌اند. اما مؤلفه‌های ذیل تفکر، تربیت بدنی، روحیه خطرپذیری، روحیه تلاش و سخت‌کوشی، نفی تفکر دنیاگریزی، ارتقای توان کارآفرینی، تربیت افراد مسئول برای تغییر فکری امت و تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد در نظام آموزشی دوره‌های مختلف غایب بوده است. مجموعه‌ی مؤلفه‌های مورد توجه نیز در یک دوره‌ی زمانی مجتمع نیستند، و این بدان معناست که در هر دوره فقط بخشی از مؤلفه‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند، در حالی که برای تحقق مؤلفه‌های تمدنی باید تمام یا دست کم اکثر آنها در نظام آموزشی مورد توجه قرار گیرند. به همین دلیل، صرف وجود رد پای این مؤلفه‌ها در برخی دوره‌های تاریخی، مؤید کارکرد مؤثر آنها در تحقق مؤلفه‌های تمدنی و پیشرفت محسوب نمی‌شود. در تمام دوره‌ها به علت حضور معلم به عنوان یک مرجع قدرت، ویژگی‌هایی که نیازمند خودپیروی در فرد بوده از جمله تغییر فکری امت و ارتقای توان کارآفرینی مغفول مانده است.

واژه‌های کلیدی: پیشرفت، آموزش و پرورش، ایران، تاریخ

۱. مقدمه

نظام تعلیم و تربیت در هر تمدنی، وظیفه تربیت نیروی انسانی را در آن جامعه بر عهده دارد و نیروی انسانی یک جامعه اصلی‌ترین رکن پیشرفت و استقلال آن جامعه است. ردپای این دیدگاه را می‌توان در اندیشه آرمانشهرگرایان نیز مشاهده نمود چراکه آنها برای رسیدن به آرمان مطلوب خود تحول در آموزش و پرورش را امری ضروری می‌دانند (آهنچیان، ۱۳۹۳). به همین دلیل ورود به تاریخ آموزش و پرورش ایران و شناخت آن برای ایجاد تحول در

^۱. عضو هیات علمی دانشگاه تهران: siravani@ut.ac.ir

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه تهران: alivahdati@ut.ac.ir

آموزش و پرورش به منظور رسیدن به تمدن اسلامی ضرورت پیدا می‌کند. بدیهی است جامعه‌ی آرمانی یک نظام اسلامی در شاخص‌های رشد و پیشرفت با الگوهای جوامع دیگر لزوماً یگانگی ندارد. به همین دلیل معیارهای تحقق پیشرفت در این مقاله برگرفته از مولفه‌هایی است که اندیشمندان مسلمان در آرای‌شان از تمدن اسلامی ترسیم کرده‌اند، به گونه‌ای که روشن می‌شود هدف‌ها، روش‌ها و سازمان آموزش و پرورش در دوره‌های مختلف تاریخی چه پیوندی با آرمان‌ها و مؤلفه‌های تعریف شده برای تمدن اسلامی دارند. برای این منظور ابتدا مفهوم پیشرفت به اختصار بحث و سپس مولفه‌های جامعه مطلوب از دیدگاه اندیشمندان اسلامی بررسی می‌شود. در گام بعد با ورود به تاریخ ایران از دوران باستان تا دوره‌ی پهلوی، ویژگی‌های اصلی تعلیم و تربیت در هر دوره ذکر می‌شود. در پایان نیز در قالبی کل‌نگرانه، پیوند تعلیم و تربیت در هر دوره با مولفه‌های تمدن اسلامی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر این اساس، پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که: نظام تعلیم و تربیت ایران در طول تاریخ خود با نظر به چهار حوزه اهداف، محتوا، روش و سازمان در تحقق مولفه‌های جامعه مطلوب اسلامی چه نقشی ایفا کرده است؟

۲. پیشینه پژوهش

در بررسی‌های انجام شده در زمینه پیشینه پژوهش در حوزه پیشرفت و تاریخ آموزش و پرورش در ایران نتایج زیر یافت شده‌اند:

استخراج و تبیین مولفه‌های تمدن اسلامی در دو پژوهش جداگانه توسط قائمی اصل (۱۳۹۰) بر اساس نظرات اندیشمندان اسلامی و آرمون‌پور (۱۳۹۲) با تکیه بر قرآن انجام گرفته است. در این میان پژوهش قائمی اصل به علت مطالعه گسترده نظریات اندیشمندان مسلمان در باب مولفه‌های تمدن اسلامی و دسته‌بندی آنها، در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین چالشها و اقدامات لازم برای برون رفت از عقب ماندگی و همراهی با قافله جهانی توسعه در دوره قاجار در پژوهشی از آرامش‌پور (۱۳۹۲) مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهشی که توسط کرمی (۱۳۹۲) انجام گرفته است پیشینه، عوامل و زمینه‌های اهتمام پادشاهان ایران تا ابتدای قرن هفتم هجری به امر تعلیم و تربیت مورد واکاوی قرار گرفته است. با اتکاء به پژوهشهای فوق، پژوهش حاضر به دنبال این است تا نقش نهاد آموزش و پرورش در تحقق مولفه‌های تمدن اسلامی را در طول تاریخ ایران از دوره باستان تا انتهای دوره پهلوی که جای خالی آن در پیشینه پژوهشی به چشم می‌خورد مورد بررسی قرار دهد.

۳. بازشناسی مفهوم پیشرفت

برای روشن شدن مفهوم پیشرفت^۱ می‌توان آنرا در کنار واژه‌های رشد^۲، تغییر^۳ و توسعه^۴ قرار داد.

۳.۱. رشد

آنچه که با مطالعه بر روی مفهوم رشد به چشم می‌خورد ضرورت گسترش افقی و کمی امکانات یک جامعه بدون توجه به کیفیت و همچنین اثر این گسترش بر روی سایر ابعاد جامعه از جمله فرهنگ، سیاست، تربیت و... می‌باشد. «دیدگاه رشد عمدتاً حاصل تلاش اقتصاددانان کلاسیک توسعه است که توسعه را با ابعاد کمی و فیزیکی آن

1. progress

2. growth

3. change

4. development

تعریف می‌کند. این مکتب بر مفاهیم رشد اقتصادی، انباشتگی سرمایه، سیاست‌های تجارت آزاد، بازارهای آزاد و تصمیم‌گیری فردی متمرکز است. در واقع مفهوم رشد بیشتر ناظر بر گسترش کمی امکانات فرد و جامعه بدون توجه به کیفیت سرمایه‌ها و امکانات و نیازهای انسان می‌باشد.» (غیاثوند، ۱۳۹۲، ص ۲)

۳،۲. توسعه

به عقیده دادلی سیرز^۱ توسعه، «علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین وجه نظرهای عمومی مردم است» (قدیری معصوم، ۱۳۷۹، صفحه ۲). در تعریف دیگر بروگفیلد توسعه را بر حسب میزان پیشرفت به سوی برآوردن اهداف رفاهی مانند کاهش فقر و بیکاری و نابرابری تعریف می‌کند (همان). بنابراین به نظر می‌رسد مفهوم توسعه بیشتر ناظر بر پاسخگویی به نیازهای رفاهی و ارتقای سطح زندگی مردم است.

۳،۳. تغییر

گیدنز^۲ درباره تغییر اجتماعی می‌گوید: «شناسایی تغییرات مهم مستلزم نشان دادن این است که ساختار زیربنایی یک چیز یا یک وضعیت در طول زمان تا چه حد دگرگون می‌شود. در مورد جوامع انسانی، برای تعیین این که یک نظام تا چه حد و از چه جهاتی دستخوش فرآیند تغییر است باید نشان دهیم که در طول مدت معینی نهادهای اساسی آن جامعه به چه میزان تغییر کردند (گیدنز، ۱۳۸۷، صفحه ۶۱). در جای دیگر عوامل تغییر را ذیل سه گروه محیط مادی، سازمان سیاسی و عوامل فرهنگی نام می‌برد (همان).

۳،۴. پیشرفت اجتماعی

در بحث از پیشرفت آنچه که آن را از سایر مفاهیم مجاور، متمایز می‌کند هدفمند بودن آن است. به این معنا که در پیشرفت اجتماعی هر جامعه‌ای به سمت هدف خود که آن هدف را مطلوب دانسته، حرکت می‌کند. آن گونه که موریش^۳ نیز اذعان دارد، بحث از پیشرفت بحثی ارزشی بوده و اساساً این مفهوم، مفهومی اخلاقی می‌باشد (موریش، ۱۳۸۷). بنابراین آن مطلوبی که برای هر جامعه اتخاذ می‌شود باید برگرفته از مبانی فکری، فلسفی، فرهنگی و ارزشی آن جامعه باشد. آن مطلوبی که برای جامعه ایرانی - اسلامی در این پژوهش در نظر گرفته می‌شود، تمدن اسلامی بوده که توسط اندیشمندان مسلمان مطرح شده است.

۴. مولفه‌های تمدن اسلامی

قائمی اصل (۱۳۹۰) در پایان نامه خود به عنوان «ارائه شاخصی ترکیبی جهت سنجش توسعه انسانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و بکارگیری آن در رتبه بندی کشورهای اسلامی منتخب»، در پنج بعد علمی - آموزشی، فرهنگی - اجتماعی، مذهبی - اخلاقی، اقتصادی - رفاهی و سیاسی - حکمرانی، مولفه‌های تمدن اسلامی را برشمرده است

¹. Dudley seers

²Giddens

³Morrish

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

که مجموعاً بیست و شش مولفه می باشد. از آنجا که بعد سیاسی - حکمرانی بیشتر جنبه ی عملی - اجرایی دارد، بیشتر مولفه های آن خارج از حیطه ی نهاد آموزش و پرورش قرار می گیرند.

جدول شماره ۱ - مولفه‌های تمدن اسلامی از دیدگاه اندیشمندان مسلمان

علمی - آموزشی	فرهنگی - اجتماعی	مذهبی - اخلاقی	اقتصادی - رفاهی	سیاسی - حکمرانی
تفکر(نقادی، خلاقیت، حل مساله و...)	وطن دوستی	کسب معرفت و علم آموزی	روحیه تلاش و سخت کوشی	کارآمدی حکومت
کسب علوم و فنون روز	همبستگی اجتماعی	خداپاوری	کسب حرفه و فن	حاکمیت قانون مبتنی بر شریعت
تربیت افرادی که مسئولیت تغییر فکری امت را برعهده گیرند	احسان و خدمت به دیگران	تزکیه	روحیه خطر پذیری	توجه به حفظ محیط زیست
تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد	نگاه اصیل به خانواده	اعتقاد به زندگی پس از مرگ	نفی تفکر دنیا گریزی	لزوم حفظ استقلال کشور
ارتقای توان کارآفرینی		تقوا		اقامه حدود شرعی
اتکاء فعالیتها به علم		تربیت بدنی		رهبری حکیم و فقیه بر جامعه
جمعا شش مولفه	جمعا چهار مولفه	جمعا شش مولفه	جمعا چهار مولفه	جمعا شش مولفه

بررسی مولفه‌های تمدن اسلامی موید آن است که نسبت آنها با آموزش و پرورش در جهات مختلفی می باشد به گونه ای که، هر یک از این مولفه‌ها در قالب یکی از اجزای یک نظام تعلیمی - تربیتی شامل هدف، اصول، روش و محتوای آموزش^۱ قرار می گیرند. در اینجا تلاش می شود تا مولفه‌های فوق بر همین اساس دسته بندی شوند:

^۱ مولفه‌هایی که نمایانگر تحقق یک غایت است، به منزله ی هدف، مولفه‌هایی که نمایانگر یک تجویز اساسی و قابل تحقق است، به منزله ی اصل، مولفه‌هایی که نمایانگر یک اقدام اجرایی است، به منزله ی روش، مولفه‌هایی که نمایانگر موضوعاتی برای آموزش است، به منزله ی محتوا دسته بندی شده‌اند.

هدف های تربیتی	اصول تربیتی	روش های تربیتی	محتوای آموزشی
وطن دوستی	روحیه تلاش و سخت کوشی	تذکیه	تفکر (نقادی، خلاقیت، حل مساله و...)
کسب علوم و فنون روز	اعتقاد به زندگی پس از مرگ	تقوا	خدا باوری
تربیت افرادی که مسئولیت تغییر فکری امت را برعهده گیرند	همبستگی اجتماعی		روحیه خطر پذیری
تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد	نگاه اصیل به خانواده		نفی تفکر دنیا گریزی
تربیت بدنی	ارتقای توان کارآفرینی		کسب معرفت و علم آموزی
کسب حرفه و فن	اتکاء فعالیتها به علم		احسان و خدمت به دیگران
			توجه به محیط زیست
			لزوم حفظ استقلال کشور
جمعا شش مولفه	جمعا شش مولفه	جمعا دو مولفه	جمعا هشت مولفه

به این ترتیب آموزش و پرورش می تواند در تحقق بیست و دو مولفه از مولفه های تمدن اسلامی ایفای نقش کند.

۵. بررسی دوره‌های مختلف تاریخی نظام تعلیم و تربیت در ایران بر اساس مؤلفه‌های تمدن اسلامی

برای بررسی نسبت آموزش و پرورش با پیشرفت، لازم است تا نسبت محورهای اصلی موجود در هر نظام آموزشی با مولفه‌های پیشرفت بررسی شود. آموزش و پرورش ایران در طول تاریخ، ادوار مختلفی را به تبع شرایط تاریخی داشته‌است؛ لذا آموزش و پرورش ایران دوره‌های باستان (پیش از اسلام)، دوره‌ی اسلامی و دوره‌ی صفویه، دوره‌ی مدرن‌شدگی و دوره‌ی پس از انقلاب اسلامی را پشت سر گذارده است. لذا برای شناخت دقیق‌تر، این نسبت در هر دوره به طور مستقل با روش توصیفی - تحلیلی بررسی می‌شود. بررسی در هر دوره شامل سه بخش می باشد؛ ویژگی‌های تاریخی دوره، ویژگی‌های آموزش و پرورش دوره، نسبت آموزش و پرورش دوره با مولفه‌های پیشرفت در تمدن اسلامی.

۵.۱. دوره ایران باستان قبل از اسلام (قرن هفتم قبل از میلاد تا هفتم بعد از میلاد)

این دوره خود به ترتیب شامل ۵ دوره مادها، پارس‌ها، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان می‌باشد. ویژگی‌های این دوره مشتمل بر موارد زیر است: گستردگی قلمرو ایران به ویژه در دوره پارس‌ها، حمله اسکندر مقدونی، عقد پیمان بازرگانی با امپراطوری چین، جمع‌آوری متن اوستا، ظهور مانی و مزدک و تولد حضرت محمد (ص)، تاسیس گندی شاپور و ترجمه کتب متعدد پزشکی و فلسفی و نجوم از زبانهای یونانی و هندی به زبان پهلوی (الماسی، ۱۳۷۸).

ویژگی‌های تعلیم و تربیت در دوره ایران باستان

۱. در این دوره هدف اصلی تربیت، بر جنبه‌ی اجتماعی آن یعنی قبول مسئولیت و خدمت به خانواده، جامعه و حکومت متمرکز بود (رضوی، ۱۳۵۰).
۲. محتوای تربیت شامل پرورش دینی، تربیت بدنی، کارهای عملی مانند درختکاری و تیراندازی، خواندن و نوشتن و حساب (برای فرزندان بزرگان، نجبا و موبدان) بود (همان).
۳. دو عامل سختی شرایط آب و هوایی و جنگهای متوالی باعث شد تا سخت‌کوشی و تلاش از خصوصیات ایرانیان شود (همان).
۴. ساده‌زیستی و قناعت در هنگام زمامداری حاکمی بارآده و قدرتمند و تجمل و افراط در عیش و نوش در هنگام زمامداری حاکمی ضعیف، دو جریان متضاد در میان مردم ایران بود (همان).
۵. خانواده در این دوره مقدس‌ترین نهاد اجتماع به شمار می‌رفت (همان).
۶. هرچه از دوره هخامنشی به سمت دوره ساسانی می‌رویم جنبه عملی دانشها کاهش یافته و بر جنبه نظری آنها افزوده می‌شود (همان).
۷. سازمان تعلیم و تربیت عبارتست از خانواده، آتشکده، دربار شاهنشاهی (دوره هخامنشی)، دبستان و دانشگاه (در دوره ساسانی) (صدیق، ۱۳۵۴).
۸. روش آموزش بیشتر زبانی و شفاهی بوده و مبتنی بر القا و ایجاد عادت‌های مطلوب حکومت می‌باشد (وکیلان، ۱۳۸۱).
۹. کودکان شغل پدر را آموخته و هیچ کس حق گذر از مرز وراثت را نداشت (همان).
۱۰. تعلیمات عالی در انحصار طبقه برجسته و اعیان و اشراف بود (همان).
۱۱. در دوره هخامنشی آموزش عالی برای فرزندان اشراف برای آمادگی برای مشاغل مانند پزشکی، ستاره‌شناسی، مهندسی، دبیری و حسابداری وجود داشت (همان).
۱۲. در دوره ساسانی مراکز اصلی آموزش عالی، مراکز دینی زردشتی و عیسوی بوده اما مرکز اصلی آموختن طبابت، بیمارستانها بوده است (همان).

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

بنابراین از میان مولفه‌های تمدن اسلامی در این دوره تربیت بدنی، کسب حرفه و فن، کسب علوم و فنون روز، روحیه تلاش و سخت کوشی و خطرپذیری، تزکیه و نگاه اصیل به خانواده به چشم می‌خورد. به این ترتیب، هفت مولفه از مجموعه بیست و دو مولفه در این دوره در آموزش و پرورش مورد توجه قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۳ - نمایش مولفه‌های تمدن اسلامی در قالب اجزای نظام تعلیم و تربیت در دوره باستان

هدف های تربیتی	اصول تربیتی	روش های تربیتی	محتوای آموزشی
-	روحیه تلاش و سخت کوشی	-	-
کسب علوم و فنون روز	-	-	-
-	-	تزکیه	روحیه خطرپذیری
-	نگاه اصیل به خانواده	-	-
تربیت بدنی	-	-	-
کسب حرفه و فن	-	-	-

۵.۲. دوره‌ی ایران اسلامی - مرحله‌ی اول (از سال ۱۸ هجری تا ۲۵۰ هجری)

ایران در سال ۱۸ هجری در زمان خلافت عمر توسط مسلمانان فتح شد. اما پس از حکومت خلفای راشدین، زمانی که حکومت اسلامی به دست بنی امیه افتاد به واسطه‌ی بازگشت ارزش‌های نژادی و اصرار بر برتری عرب، ایرانیان تحت فشار قرار گرفتند و حق مداخله در حکومت‌های محلی خود را نداشتند. اما پس از سقوط بنی امیه و حاکمیت بنی عباس (۱۲۵ هجری)، فرصت فعالیت و حضور ایرانیان در عرصه‌های حکومتی و نیز علمی فراهم شد. از ویژگی‌های این دوره می‌توان به نفوذ ایرانیان به دستگاه حکومتی خلافت عباسی، انتقال پایتخت به بغداد، تاسیس بیمارستان بغداد به دست هارون الرشید و بیت الحکمه در بغداد به دستور مامون، ترجمه کتب متعدد از پهلوی به عربی توسط دبیران ایرانی و عربی و تالیف کتب مختلف در علوم و فنون اشاره کرد (شاه حسینی، ۱۳۵۳).

ویژگی‌های تعلیم و تربیت در دوره‌ی ایران اسلامی - مرحله‌ی اول (از سال ۱۸ هجری تا ۲۵۰ هجری)

۱. عده‌ای از مردم که کماکان بر آیین زرتشت باقی ماندند، آموزه‌های مذهبی زرتشت را در آتشکده‌ها آموزش می‌دیدند (صدیق، ۱۳۵۴).
۲. تازه مسلمانان ایرانی نیز قرآن و احادیث را در مساجدی که بنا می‌شد، تعلیم می‌دیدند (همان).
۳. به تدریج در دوره بنی عباس کتب دینی تالیف شد و در جنب مساجد، مکاتبی تاسیس گشت (همان).
۴. یادگیری علوم و فنون مانند طب و فلسفه از ابتدا در میان مسلمانان رایج نبود اما با گسترش مملکت اسلام، این علوم نیز بتدریج و به ویژه به واسطه‌ی نهضت ترجمه در میان آنان شایع گشت (جرجی زیدان، ۱۳۴۵).

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۵. در این دوره تحصیلات عالی با محتوای دینی در قالب مجالسی مانند مجلس الحدیث، مجلس التدریس، مجلس المناظره، مجلس المذاکره، مجلس شاعران، مجلس ادب و مجلس فتوا جریان داشت (منیرالدین احمد، ۱۳۶۸).
۶. سازمان آموزش عالی در این دوره شامل مساجد، جامع‌ها، خانه‌های دانشمندان و کتابفروشی‌ها می‌باشد (همان).
۷. یک سنت علمی در این دوره، سفرهای علمی (رحله) در میان دانشجویان بود که برای استفاده از مراکز علمی نقاط دیگر صورت می‌گرفت (همان).

بنابراین در این دوره مولفه‌های کسب معرفت و علوم دینی، تزکیه، تقوا، خداباوری، روحیه تلاش و سخت کوشی در فراگیری علم، آشنایی با علوم و فنون روز و ایجاد روحیه نقادی و بحث در مذاکرات و مناظرات علمی در آموزش عالی شاخص هستند. به این ترتیب، نه مولفه از مجموعه بیست و دو مولفه‌ی تمدنی در این دوره در آموزش و پرورش مورد توجه قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۴ - نمایش مولفه‌های تمدن اسلامی در قالب اجزای نظام تعلیم و تربیت در دوره ایران اسلامی -

مرحله اول

هدف های تربیتی	اصول تربیتی	روش های تربیتی	محتوای آموزشی
-	روحیه تلاش و سخت کوشی	تزکیه	تفکر (نقادی، خلاقیت، حل مساله و...)
کسب علوم و فنون روز	اعتقاد به زندگی پس از مرگ	تقوا	خداباوری
-	-	-	-
-	نگاه اصیل به خانواده	-	-
-	-	کسب معرفت و علم آموزی	-
-	-	-	-

۵.۳. دوره‌ی ایران اسلامی - مرحله ی دوم، دوره استقلال ایران (از ۲۵۰ تا ۶۵۶ هجری)

این دوره با قیام یعقوب لیث صفاری از ۲۵۰ هجری آغاز و تا ۶۵۶ هجری که آخرین خلیفه عباسی کشته شد، ادامه داشت. در این دوره شخصیت‌هایی مانند ابن سینا، عنصر المعالی، امام محمد غزالی، خواجه نصیرالدین طوسی و سعدی ظهور کرده‌اند که در آثارشان نظریات تربیتی نیز به چشم می‌خورد.

ویژگی های تعلیم و تربیت در دوره استقلال ایران

۱. از ویژگی‌های شاخص این دوره می‌توان به تاسیس مدارس نظامیه توسط خواجه نظام الملک وزیر مقتدر سلاجقه، که خود از فضلا بوده و کتاب سیاستنامه او از کتب برجسته زبان فارسی است، اشاره کرد. عملکرد درخشان نظام الملک الهام‌بخش گروهی از مردم آن دوره برای برپایی مدارس مشابه در سایر نقاط کشور شد (وکیلیان، ۱۳۸۱).
 ۲. اهداف تربیت عبارت بود از خداباوری و گرایش به اسلام، آراستگی به اخلاق حسنه و دوری از اعمال ناپسند، آموختن هنر و پیشه و راه معاش و در نهایت بهداشت و تندرستی به علت تاثیر آن در اخلاق آدمی (الماسی، ۱۳۷۸).
 ۳. سازمان تعلیم و تربیت شامل مسجد، مکتب، خانه و مدرسه بوده است (همان).
 ۴. در مکتب، برنامه اصلی شامل تعلیم الفبا، قرائت قرآن و اصول دین و احترام به معلم بود (درانی، ۱۳۷۶).
 ۵. روش تربیت در مکتب انفرادی و بر مبنای به یاد سپاری بوده است (نوروزی، ۱۳۸۷).
 ۶. برنامه مدارس شامل ادبیات عرب، علوم دینی و حکمت بود.
 ۷. در مدارس و مساجد آزادی فکر و بحث و رد و قبول نظریات دیگران و ارائه نظر شخصی توسط مدرس وجود داشته، فعالیت ضمن درس طلاب ملاک ارزشیابی بوده و طالب علم به شرط داشتن توانایی و اجازه مدرس خود مجاز به تدریس بوده است (صدیق، ۱۳۵۴).
- با نظر به مطالب فوق، مشاهده می‌شود که تعلیم و تربیت در این دوره تفاوت چندانی با دوره قبل نداشته است و گونه‌ای از سازمان و برنامه تعلیم و تربیت که با ورود اسلام به ایران شکل گرفت، در این دوره با احداث مدارس و مساجد و مکتب خانه‌های بیشتر، تثبیت شد.

۵.۴. ظهور عصر طلایی تمدنی اسلام و نسبت آموزش و پرورش در دوره استقلال با آن

تأسیس بیت الحکمه توسط هارون و مامون عباسی در قرن دوم هجری که ترجمه‌ی آثار علمی تمدن‌های پیشین به ویژه یونان را در دستور کار خود داشت، ورود سیل عظیمی از انواع دانش‌های فلسفی و علمی را به جامعه‌ی مسلمانان موجب شد. وجود این ذخایر علمی در کنار حمایت از دانشمندان در بغداد و نیز در ایران باعث شد که از اواخر قرن دوم و به ویژه قرون سوم تا پنجم هجری، عصری درخشان از تولید علم و نیز جریان فلسفه‌ی اسلامی شکل بگیرد، و به نوبه‌ی خود به شکوفایی تمدن اسلامی در قلمرو حاکمیت اسلام از خاورمیانه تا اندلس در جنوب اسپانیا بیانجامد. اگرچه این درخشندگی پس از قرن پنجم روبه افول رفت، درجاتی از این شکوفایی در قرون بعدی نیز تداوم داشت. اما همانطور که در بررسی ویژگی‌های دوره‌ی استقلال ایران اشاره شد، نهاد آموزش با جریان تولید علم و نیز فلسفه‌ی اسلامی چندان پیوندی نیافت. مکتب به عنوان نهاد آموزش عمومی به طور طبیعی به آموزش دانش پایه و قرائت قرآن کریم اختصاص داشت؛ و برنامه و محتوای درسی نهادهای آموزش عالی یعنی مدارس، در خدمت آموزه‌های دینی - فقهی بود. به این ترتیب، ده مولفه از مجموعه‌ی بیست و دو مولفه‌ی تمدنی اسلامی در این دوره در آموزش و پرورش مورد توجه قرار گرفته‌اند.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

جدول شماره ۵ - نمایش مولفه‌های تمدن اسلامی در قالب اجزای نظام تعلیم و تربیت در دوره ایران اسلامی مرحله

دوم

هدف های تربیتی	اصول تربیتی	روش های تربیتی	محتوای آموزشی
-	-	تزکیه	تفکر(نقادی، خلاقیت، حل مساله و...)
-	اعتقاد به زندگی پس از مرگ	تقوا	خداباوری
تربیت افرادی که مسئولیت تغییر فکری امت را برعهده گیرند	همبستگی اجتماعی		-
-	نگاه اصیل به خانواده		-
-	-		کسب معرفت و علم آموزی
-	-		احسان و خدمت به دیگران

۵.۵. دوره حمله مغول تا ظهور صفویه (از ۶۱۶ تا ۹۰۷ هجری)

حمله چنگیز مغول و بعد از او حملات پی در پی امیر تیمور تاتاری اتفاقی هولناک و تعیین کننده در تاریخ ایران است. این حمله در نتیجه‌ی بی‌تدبیری سلطان محمد خوارزمشاه و کشته شدن چهارصد و پنجاه بازرگان مغولی مسلمان بدست او صورت گرفت و نتایجی از جمله ویران شدن کتابخانه‌ها و فرار اندیشمندان و دانشمندان، ایجاد یاس و ناامیدی در مردم، ایجاد روحیه تملق و از بین رفتن شهامت واقع گویی و عفت، شایع گشتن مغلق‌نویسی در متون فارسی، انحطاط اخلاقی و در نهایت گوشه گیری و خاموشی و تسلیم به قضا و قدر را در پی داشت (صدیق، ۱۳۵۴). در این دوره به علت علاقه سلاطین مغول و تاتار به ضبط فتوحات خود و اعتقاد آنها در تاثیر وضع ستارگان در سرنوشت انسان، دو رشته تاریخ نویسی و نجوم رشد و گسترش یافت(همان). البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که به ویژه پس از به حکومت رسیدن غازان و اسلام آوردن او و به وزارت رسیدن خواجه رشید الدین فضل الله همدانی صاحب جوامع التواریخ، مدارس و مراکز علمی جدیدی نیز تاسیس گشت و مدارس و مساجد احیا شد. از مراکز علمی این دوره می‌توان به رصدخانه مراغه(دوره ی حکومت هلاکو)، ربع رشیدی، شنب غازان و سلطانیه نام برد. این مراکز با داشتن کتابخانه‌های غنی و مدارس و مساجد، نقطه روشنی در تاریخ این دوره می‌باشند (وکیلیان، ۱۳۸۱).

ویژگی‌های تعلیم و تربیت در دوره حمله مغول

۱. اهداف آموزش در این دوره عبارت بود از صیانت نفس، حفظ و حراست از تباهی و جلوگیری از شیوع فساد و فحشا (درانی، ۱۳۷۶). همچنین به علت هجوم‌های گسترده به ایران مفهوم اخلاق کاملاً انحطاط یافت، ظاهربینی

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۱. جایگزین معناگرایی شد، اندیشه ورزی آلوده به لفاظی گشت، بدبینی و سوءظن نسبت به همدیگر در جامعه رواج یافت و اطاعت صرف و عدم صراحت لهجه عادت شد (صدیق، ۱۳۵۴).
 ۲. سازمان تربیت در این دوره همانند قبل بود با این تفاوت که بسیاری از مساجد و مکاتب در جریان حملات متوالی تخریب شد.
 ۳. در این دوره دو تغییر در برنامه نیز مشاهده می‌شود: اول آنکه زبان عربی سلطه قبلی خود را از دست داد و دوم آنکه به علت ناپایداری شرایط جامعه، توجه افراطی به آخرت و رویگردانی از دنیا حاکم شد (الماسی، ۱۳۷۸).
 ۴. همچنین به علت تحولات سخت این دوره، اعتقادات عرفانی و صوفیه مورد استقبال مردم قرار گرفت و خانقاه علما به عنوان یکی از مراکز تعلیم شناخته شد (درانی، ۱۳۸۱).
 ۵. روشی که در این دوره در نظام تعلیم و تربیت وجود داشته بسیار سخت و خشن بوده به گونه‌ای که کودکان از بازی و تفریح محروم بوده، آزادی در بحث و اظهار عقیده تا حد زیادی از بین رفته و تعبد و اطاعت جایگزین استدلال و منطق و ابتکار شد (صدیق، ۱۳۵۴).
 ۶. از ابتکارات این دوره در تعلیم و تربیت، ایجاد مدارس سیار توسط سلطان محمد خدابنده برادر غازان بود. در فصل ییلاق و قشلاق، معلمان و متعلمان همراه با سایر اصناف سفر کرده و در هنگام توقف، مدرسه کار خود را آغاز می‌کرده است (وکیلیان، ۱۳۸۱).
- از مطالب فوق برداشت می‌شود که در این دوره به طور کلی انحطاط علمی و اخلاقی پیش آمده و نتایج این دوره نیز مانعی بزرگ بر سر راه حرکت علمی و فرهنگی و اقتصادی ملت ایران به سمت تمدن اسلامی در دوره‌های بعد بوده است. همچنین تفکر دنیاگریزی و توجه افراطی به آخرت از ویژگی‌های شاخص این دوره است. به این ترتیب، پنج مولفه از مجموعه‌ی بیست و دو مولفه‌ی تمدنی اسلامی در این دوره در آموزش و پرورش مورد توجه قرار گرفته‌اند.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

جدول شماره ۶ - نمایش مولفه‌های تمدن اسلامی در قالب اجزای نظام تعلیم و تربیت در دوره حمله مغول تا ظهور صفویه

هدف های تربیتی	اصول تربیتی	روش های تربیتی	محتوای آموزشی
-	-	تذکیه	-
-	اعتقاد به زندگی پس از مرگ	تقوا	خدا باوری
-	-	-	-
-	نگاه اصیل به خانواده	-	-
-	-	-	-
-	-	-	-

۵.۶. دوره حکومت صفوی (از ۹۰۷ تا ۱۱۴۸ هجری)

این دوره با سلطنت اسماعیل صفوی آغاز شده و با غلبه افغانها بر شاه سلطان حسین پایان یافت. از ویژگی‌های این دوره می‌توان به تشکیل حکومت واحد از طریق وحدت مذهب، جنگ‌های متعدد با عثمانی، توجه شدید به مذهب و علوم دینی و بی‌توجهی به ادبیات، علوم و ریاضیات، توجه پادشاهان صفوی به هنرهای زیبا و پیشرفت شگفت انگیز در معماری و تذهیب، افزایش رابطه با اروپا، رونق اقتصادی و افزایش معاملات خارجی، افزایش قدرت نظامی و گسترش شهرنشینی و به تبع آن حرفه‌های گوناگون اشاره کرد (صدیق، ۱۳۵۴).

ویژگی های تعلیم و تربیت در دوره حکومت صفوی

۱. علاوه بر اهداف اصیل و ارزشمندی که در دوره‌های قبل برای تعلیم و تربیت ذکر شد، در دوره صفوی ترویج اصول مذهب شیعه به عنوان اصلی‌ترین هدفی بود که پادشاهان صفوی به دنبال آن بودند (وکیلان، ۱۳۸۱).
۲. در این دوره مربیان بر متریبان سخت گرفته، به نیازهای آنان توجهی نداشته و از آنان انتظارات غیر معقول داشتند. همچنین در هنگام تدریس تاکید بر حافظه در یادگیری بود (همان).
۳. در این دوره، حوزه اخلاق در تربیت کودکان به کوچکترین حوزه‌های زندگی مانند لباس پوشیدن، مسواک زدن و... گسترش یافت (صدیق، ۱۳۵۴).
۴. به علت توجه شدید به اهمیت کسب علوم دینی، طلاب با استعداد به سراغ کسب این علوم می‌رفتند (همان).
۵. در این دوره نیز مانند دوره قبل بازی و تفریح برای کودکان جایز نبوده و همچنین آزادی در بحث بر سر مسائل دینی وجود نداشته است (همان).

چهارمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۶. توجه و علاقه شدید صفویان به مساجد باعث شد تا مساجد و مکاتب، سازمانهای اصلی آموزش در این دوره باشند (الماسی، ۱۳۷۶).
۷. تغییر جدیدی که در محتوای این دوره پدید آمد تلاش برای تعمیق محبت کودکان به امام علی (ع) و تدریس کتب جدید التالیف در مکاتب بود (همان).
۸. در این دوره کتبی مانند منیه المرید فی آداب المفید و المستفید از شیخ زین الدین حر عاملی، حلیه المتقین و عین الحیاه از محمد باقر مجلسی در زمینه تعلیم و تربیت تالیف شدند (همان).
- در این دوره اگرچه تزکیه و کسب معرفت و اخلاق شاخص بود، اما بحث و نقادی از رونق افتاده و به کسب علوم و فنون روز نیز توجهی نمی‌شد. به این ترتیب، هفت مولفه از مجموعه بیست و دو مولفه تمدنی اسلامی در این دوره در آموزش و پرورش مورد توجه قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۷ - نمایش مولفه‌های تمدن اسلامی در قالب اجزای نظام تعلیم و تربیت در دوره صفوی

هدف های تربیتی	اصول تربیتی	روش های تربیتی	محتوای آموزشی
-	-	تزکیه	-
-	اعتقاد به زندگی پس از مرگ	تقوا	خدا باوری
-	همبستگی اجتماعی		-
-	نگاه اصیل به خانواده		-
-	-		کسب معرفت و علم آموزی
-	-		-

در اینجا این نکته قابل ذکر است که به علت وقوع آشوب‌ها و هرج و مرج و بی‌نظمی در کشور در فاصله میان اتمام حکومت صفوی و به قدرت رسیدن نادرشاه و همچنین میان مرگ نادر و فرمانروایی کریم خان و سپس به قدرت رسیدن آقا محمدخان قاجار، فترتی در فرهنگ و هنر ایران ایجاد شد که فرصتی برای ایجاد تغییرات جدید در تعلیم و تربیت باقی نگذاشت (درانی، ۱۳۷۶).

۵.۷. دوره قاجار

در این دوره اقدامات اصلاحی در آموزش و پرورش با فعالیت‌های عباس میرزا با آموزش نظامی به نیروهای ارتش و اعزام محصل به خارج و امیرکبیر با تاسیس دارالفنون و میرزا حسن رشدیه با تاسیس اولین مدرسه ابتدایی به سبک جدید، با هدف نجات کشور از ضعف و عقب‌ماندگی آغاز شد (ایروانی، ۱۳۹۳). این عقب‌ماندگی ناشی از حملات

مکرر روسیه به ایران و عقد قراردادهای گلستان و ترکمانچای و جداسازی قسمت‌هایی از کشور، شیوع بیماری‌های واگیردار مانند وبا و طاعون و فعالیت سیاسی دولت‌های استعمارگر روسیه، فرانسه و انگلیس در ایران بود (درانی، ۱۳۷۶).

ویژگی‌های تعلیم و تربیت در دوره قاجار

آموزش و پرورش در دوره قاجار جهت‌گیری تحولی می‌یابد و موازی با نهادها و برنامه‌های آموزش و پرورش بر اساس الگوی پیشین، یک نظام آموزشی جدید با تاسیس مدارس میسیونری در دوره محمدشاه، دارالفنون در دوره ناصرالدین شاه و مدرسه‌ی میرزا حسن رشیدی در همان دوره و سپس دوره‌ی مظفردالدین شاه شکل می‌گیرد. علاوه بر آن جریان اعزام محصل به خارج از دوره‌ی عباس میرزا با هدف دستیابی به منابع علوم و فن‌آوری دنیای غرب و تقویت بنیه‌ی نظامی ایران آغاز می‌شود و تا امروز عملاً ادامه یافته است. این جریان تحولی اصولاً ماهیتی تقلیدی داشت؛ و در واقع تقلیدی آگاهانه برای رفع عقب ماندگی ایران نسبت به قدرت‌هایی بود که با فشار نظامی و سیاسی، خواسته‌های خود را بر ایران تحمیل می‌کردند. اما بعدها به ویژه با ظهور جریان روشنفکری و انقلاب مشروطه دایره‌ی این تقلید گسترده‌تر شد و به تقلید در برنامه و محتوای آموزشی و حتی نمادهای ظاهری دانش آموزی نیز تعمیم یافت (ایروانی، ۱۳۹۳). به این ترتیب، در دوره قاجار،

۱. نهادهای آموزشی مدرن با تقلید از غرب، رقیب نهادهای آموزشی بومی ایران شدند و با اقبال عمومی روندی رو به گسترش یافتند (همان).
۲. محتوای آموزش نیز به تبع تقلید از غرب، بتدریج علوم جدید و نیز زبان خارجی را در برنامه‌ی درسی مدارس وارد نمود (همان).
۳. قانون اساسی انقلاب مشروطه، دولت را موظف به تمشیت امور مدارس و مکاتب نمود. به این ترتیب، نظام آموزشی غیر رسمی مردمی، حرکت به سمت دولتی شدن را آغاز کرد و این به نوبه‌ی خود زمینه‌ی ورود تمرکز به آموزش و پرورش بود (همان).
۴. هدف آموزش و پرورش در مکتب‌ها کماکان بر تربیت دینی متمرکز بود. اما در مدارس جدید، در کنار تربیت دینی، آموزش علوم جدید با هدف جبران عقب ماندگی ایرانیان مدار اصلی توجه را تشکیل می‌داد (همان).
۵. ورود دختران به مدرسه و تاسیس مدارس دخترانه، به استناد قانون اساسی مشروطیت در دوره قاجار و پس از انقلاب مشروطه آغاز شد (همان).
۶. اعزام محصل به خارج و بازگشت تحصیل‌کردگان از کشورهای اروپایی موجب ورود هر چه بیشتر دانش‌های جدید در نظام آموزش و پرورش گردید (همان).
۷. از آنجا که در این دوره تا قبل از ناصرالدین شاه مدارس به صورت امروزی وجود نداشته و مکاتب، مراکز اصلی آموزش عمومی بوده و هم چنین دولت هیچ تعهدی در برابر تحصیل در مکاتب نداشته، بنابراین هیچ‌گاه در فکر اشتغال فارغ‌التحصیلان هم نبود (صلاحی، ۱۳۸۲).

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۸. در این دوره برای اولین بار دارالمعلمین و دارالمعلمات برای تربیت معلم به سال ۱۲۹۷ و ۱۲۹۸ شمسی در تهران تاسیس شد. مدرسین این دو مرکز تربیت معلم عموماً تحصیل‌کردگان اروپایی بودند و محتوای درسی تربیت معلم با تکیه بر دانش‌های تربیتی مدرن بود (درانی، ۱۳۸۱).

در این دوره تأکید بر علم‌آموزی را می‌توان در فعالیت‌های فردی که دغدغه نجات کشور از جهالت را داشتند مشاهده نمود و مولفه‌ی دیگری که به عنوان پیامد این مولفه می‌توان در نظر گرفت، تربیت‌فردی است که پس از بازگشت به کشورشان و عهده‌دار شدن مناصب آموزشی و فرهنگی باعث تغییر فرهنگ و تفکر مردم شدند. در این دوره به علت حاکم شدن روح تقلیدگرایی در فعالیت‌های آموزشی به طور خواسته یا ناخواسته مولفه‌های ذیل تفکر به حاشیه رفتند. هم‌چنین کارآفرینی و اشتغال نیز به علت منسجم و نظام‌مند نبودن آموزش و پرورش، مغفول بوده است. به این ترتیب، نه مولفه از مجموعه‌ی بیست و دو مولفه‌ی تمدنی اسلامی در این دوره در آموزش و پرورش مورد توجه قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۸ - نمایش مولفه‌های تمدن اسلامی در قالب اجزای نظام تعلیم و تربیت در دوره قاجار

هدف‌های تربیتی	اصول تربیتی	روش‌های تربیتی	محتوای آموزشی
وطن‌دوستی	-	-	-
کسب علوم و فنون روز	-	-	خداپاوری
تربیت‌فردی که مسئولیت‌تغییر فکری امت را برعهده‌گیرند	-	-	-
-	نگاه اصیل به خانواده	-	-
-	-	-	کسب معرفت و علم‌آموزی
کسب حرفه و فن	اتکاء فعالیتها به علم	-	احسان و خدمت به دیگران

۵،۸. دوره پهلوی

این دوره از سال ۱۳۰۴ شمسی آغاز شده اما اولین دستور بسیار مهم در حیطه وزارت معارف در سال ۱۳۰۶ داده شده است. رضاخان در دوره حکومتش سه هدف اصلی قدرت مطلقه دولت و پادشاه، جایگزینی ملی‌گرایی به جای دین‌گرایی و مدرن‌سازی ایران را دنبال می‌کرد (ایروانی، ۱۳۹۳). به عبارت دیگر مدرن‌سازی هدف او، تمرکزگرایی روش او و ملی‌گرایی ایدئولوژی او بود (موسی‌پور، ۱۳۸۷). در نتیجه خیلی زود مدرسه به ابزاری برای رسیدن به این اهداف تبدیل شد. در این دوره به علت نیاز دولت به کارمند و همچنین ضرورت انتقال ارزشهای مورد نظر حکومت در قالب برنامه درسی لازم بود که آموزش همگانی و رایگان محقق شود و این امر باعث گسترش کمی

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

مدارس بدون پیش‌بینی حداقل امکانات لازم برای آن شد که این امر در دوره پهلوی دوم نیز ادامه پیدا کرد (ایروانی، ۱۳۹۳).

ویژگی‌های تعلیم و تربیت در دوره پهلوی

۱. تمرکزگرایی در این دوره بسیار شدید بوده و علیرغم وجود برنامه درسی یکسان در دوره مشروطه، بر روی اجرای این برنامه بسیار سخت‌گیری می‌شد (ایروانی، ۱۳۹۳).
 ۲. تقلید از نظام آموزشی غرب به طور گسترده در جزء و کل نظام آموزشی صورت گرفت (همان).
 ۳. تاکید رضاشاه بر ضرورت سریع بودن فرایند مدرن سازی و همچنین فقدان مبانی و مقدمات این فرآیند باعث شد تا حتی پدیده تقلید نیز دچار صورت‌گرایی شود (همان).
 ۴. اهداف آموزشی در این دوره عبارت بودند از اطاعت مدنی، انضباط و اخلاق برگرفته از شعار ((خدا، شاه، میهن)) (موسی پور، ۱۳۸۷).
 ۵. تاسیس سازمان پیشاهنگی، کاهش یک سال از خدمت اجباری برای دانش‌آموختگان دبیرستان‌ها، فرمان تحصیل رایگان در مدارس جدید، دستور به فارسی شدن زبان آموزش در تمام مدارس حتی مدارس خارجی، چاپ کتب درسی و توزیع رایگان آنها در میان دانش‌آموزان نیازمند، اعمال برنامه درسی واحد در مدارس و تاسیس مدارس عشایری از اقدامات رضاشاه برای جلب جوانان به مدارس جدید می‌باشد (همان).
 ۶. فعالیتهای یاددهی - یادگیری در قالب برنامه درسی که تا قبل از این دوره کاملاً در اختیار معلم بوده و او نیز با توجه به استعداد دانش‌آموز، نیاز جامعه و میراث گذشته این فعالیت‌ها را سامان می‌داده است، در این دوره با مشورت معلم تالیف شد اما معلم به انتخاب از میان برنامه تالیف شده مجبور بود (همان).
- در دوره پهلوی دوم حرکت مهمی از سوی هیات مشاورین ماوراء بحار جهت تدوین مبانی فلسفی نوینی برای کشور ایران صورت گرفت. در این برنامه، نظام تربیتی آمریکا که بر اساس دموکراسی مغرب زمین اداره می‌شد، به عنوان جایگزینی برای نظام موجود در آن دوره در ایران که با الگوگیری از نظام فرانسه بر اساس نخبه‌گرایی و تمرکزگرایی ایجاد شده بود، پیشنهاد گردید (باقری، ۱۳۸۲). همچنین سرپرستی دو نهاد مهم تربیتی کشور یعنی پیشاهنگی و تربیت بدنی به یک فرد آمریکایی به نام گیبسون محول شد که او در ادامه، وظیفه تربیت معلم برای این دو نهاد را نیز بر عهده گرفت. همچنین مقداری فیلم و تجهیزات در قالب برنامه کمک‌های فنی آمریکا به نظام آموزش و پرورش ایران در اختیار اداره هنرهای زیبا برای استفاده در مدارس قرار گرفت (محسن پور، ۱۳۶۱). در این دوره وظیفه برنامه ریزی و تدوین کتب درسی با سیاست یک درس - یک کتاب در اختیار سازمان کتابهای درسی ایران قرار گرفت و در نتیجه این اقدامات، اختیارات معلم به حداقل کاهش یافت (موسی پور، ۱۳۸۷).
- در نهایت و با توجه به مطالب بالا می‌توان سکولاریزم تربیتی، از بین رفتن استقلال کشور در زمینه‌های مختلف، اقتدارگرایی و تمرکزگرایی شدید را موانع مهم پیشرفت کشور در این دوره دانست. به این ترتیب، شش مولفه از مجموعه بیست و دو مولفه تمدنی اسلامی در این دوره در آموزش و پرورش مورد توجه قرار گرفته‌اند.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

جدول شماره ۹ - نمایش مولفه‌های تمدن اسلامی در قالب اجزای نظام تعلیم و تربیت در دوره پهلوی

هدف های تربیتی	اصول تربیتی	روش های تربیتی	محتوای آموزشی
وطن دوستی	-	-	-
کسب علوم و فنون روز	-	-	-
تربیت افرادی که مسئولیت تغییر فکری امت را برعهده گیرند	-	-	-
-	-	-	-
-	-	-	کسب معرفت و علم آموزی
کسب حرفه و فن	اتکاء فعالیتها به علم	-	-

۶. جمع بندی و نتیجه گیری

اینک در پاسخ به سوال پژوهش مبنی بر این که «نظام تعلیم و تربیت ایران در طول تاریخ خود با نظر به چهار حوزه اهداف، محتوا، روش و سازمان در تحقق مولفه‌های جامعه مطلوب اسلامی چه نقشی ایفا کرده است؟» تلاش می‌شود تا در وهله‌ی اول با ارائه‌ی یک جدول جامع و نگاهی کل‌گرایانه سهم نظام تعلیم و تربیت ایران در دوره‌های مختلف تاریخی ایران در تحقق مولفه‌های جامعه‌ی مطلوب اسلامی ارائه گردد، و پس از آن یافته‌های بدست آمده با نقدی کل‌گرایانه مورد بحث قرار گیرد.

۶.۱. نگاهی کل‌گرایانه به مولفه‌های مطلوب تمدن اسلامی در نظام‌های تعلیم و تربیت

جدول شماره ۱۰ - نگاهی کل‌گرایانه به مولفه‌های مطلوب تمدن اسلامی در نظام‌های تعلیم و تربیت

دوره های تاریخی	علمی - آموزشی	فرهنگی - اجتماعی	مذهبی - اخلاقی	اقتصادی - رفاهی
باستان	کسب علوم و فنون روز	نگاه اصیل به خانواده	تزکیه، تربیت بدنی	روحیه تلاش و سخت کوشی، کسب حرفه و فن، روحیه خطرپذیری
اسلامی - مرحله اول	تفکر، کسب علوم و فنون روز	نگاه اصیل به خانواده	کسب معرفت و علم آموزی، خداباوری، تزکیه، اعتقاد به زندگی پس از مرگ، تقوا	روحیه تلاش و سخت کوشی

اسلامی - مرحله استقلال	تفکر، تربیت افراد مسئول برای تغییر فکری امت	همبستگی اجتماعی، احسان و خدمت به دیگران، نگاه اصیل به خانواده	کسب معرفت و علم، آموزی، خداباوری، تزکیه، اعتقاد به زندگی پس از مرگ، تقوا
حمله ی مغول تا صفویه	-	نگاه اصیل به خانواده	خداباوری، تزکیه، اعتقاد به زندگی پس از مرگ، تقوا
صفویه	-	همبستگی اجتماعی، نگاه اصیل به خانواده	کسب معرفت و علم، آموزی، خداباوری، تزکیه، اعتقاد به زندگی پس از مرگ، تقوا
قاجار	تربیت افراد مسئول برای تغییر فکری امت، اتکاء فعالیتها به علم	وطن دوستی، احسان و خدمت به دیگران، نگاه اصیل به خانواده	کسب معرفت و علم، آموزی، خداباوری
پهلوی	تربیت افراد مسئول برای تغییر فکری امت، اتکاء فعالیتها به علم	وطن دوستی	کسب معرفت و علم، آموزی

۶.۲. نقد کل گرایانه نظام تعلیم و تربیت بر اساس مولفه‌های تمدن اسلامی

بر اساس مطالب تاریخی ذکر شده و مولفه‌های تمدن اسلامی به عنوان الگوی مطلوب جامعه اسلامی نقد کل‌نگرانه مجموعه دوران‌های تاریخی نظام تعلیم و تربیت در زیر می‌آید:

- به طور کلی توجه به ابعاد فرهنگی - اجتماعی و مذهبی - اخلاقی بیش از ابعاد دیگر بوده است.
- به نظر می‌رسد که در مؤلفه‌های علمی - آموزشی، نظام تعلیم و تربیت در هیچ یک از ادوار تاریخی، توجه بایسته به مقوله‌ی تفکر نداشته است. تنها نقطه مثبتی که به چشم می‌خورد ایجاد فضای بحث و نقادی در مساجد در میان طلاب آن هم در اوایل رشد و گسترش مساجد به عنوان مراکز اصلی تعلیم و تربیت می‌باشد که این امر نیز در دوره صفویه در مدارس علوم دینی با غلبه‌ی جمود فکری بر سر مسائل دینی در میان اساتید، رو به افول گذاشت. تفکر آزاد و نقادانه اگرچه یک دستاورد مهم آموزه‌های تربیتی اسلام برای ایرانیان است اما عدم تحقق آن در سنین

ابتدایی در سازمان مکتب و همچنین در مدارس ابتدایی عصر جدید به علت اقتدارگرایی شدید حاکم بر آنها باعث شده است تا این دستاورد در عمل برای پیشرفت کشور ایران نقشی نداشته باشد.

– کسب علوم و فنون روز نیز در اکثر مقاطع یا به نیت افزایش قدرت نظامی کشور در برابر هجوم بیگانگان و یا از سر تقلید کورکورانه در فرآیند مدرن‌سازی انجام گرفته است و اگر هم تلاشی در این راستا برای پیشرفت کشور انجام گرفته تبلور منسجمی در نظام آموزش کشور نداشته است.

– از آنجا که در تمام مقاطع حضور معلم در نظام آموزشی به عنوان اصلی‌ترین رکن آموزش به صورت حضور یک مرجع قدرت^۱ بوده و در عصر جدید نیز معلم وظیفه انتقال ارزش‌های تحمیلی و دیکته شده را داشته، اصولاً ویژگی‌هایی که نیازمند خودپیروی^۲ در فرد بوده از جمله تغییر فکری امت و ارتقای توان کارآفرینی، مغفول مانده است.

– در بعد فرهنگی - اجتماعی، مولفه وطن‌دوستی در همه دوران‌ها کم و بیش به چشم می‌خورد که شاید بتوان علت این امر را سرمایه عظیم فرهنگی و تمدنی ملت ایران از دوره پیش از اسلام تاکنون دانست. البته در دوره‌ی پهلوی اول مولفه وطن‌دوستی با مولفه میهن‌پرستی جایگزین شده که اولی منافاتی با ایمان به خدای یگانه نداشته و دومی از روی کفر و پرستش خدایی غیر از خدای یکتاست.

– در تمام دوره‌ها نگاه اصیل به خانواده به عنوان اولین و اصلی‌ترین نهاد تربیت کودک وجود داشته است و درباره مکتب نیز به دلیل ماهیت بومی آن، ضمن این که خانواده‌ها برای آن اعتبار بسیار زیادی قایل بودند و عموماً نسبت به معلم مکتب با احترام و پذیرش برخورد می‌کردند، ارزش‌های خانواده با ارزش‌های حاکم بر این نهاد آموزشی دارای یکپارچگی و سنخیت بود. اما با جایگزینی تدریجی مدرسه به جای مکتب و به ویژه از دوره‌ی پهلوی اول به علت تمرکز شدید حکومت بر انتقال ارزش‌ها در قالب برنامه‌ی درسی و در مدارس، فاصله‌ی مدرسه و خانواده بیشتر شد و نقش و ارزش‌های خانواده در نهاد و فرآیند آموزش هرچه کمرنگ تر شد.

– در بعد مذهبی - اخلاقی آنچه می‌توان گفت این است که کسب معرفت و علم آموزی در تمام دوره‌ها خصوصاً پس از ورود اسلام به ایران و بر مبنای تعالیم این دین، به عنوان یک ارزش اصلی و اساسی شناخته شده و به آن پرداخته می‌شده است. درباره تربیت بدنی آنچه که از مطالب بالا برمی‌آید این است که به غیر از دوره‌ی ایران باستان که در آن دوره، تربیت بدنی بیشتر به هدف آمادگی برای جنگاوری صورت می‌گرفته است، در هیچ دوره‌ای به عنوان یک هدف اصلی در نظام تعلیم و تربیت مطرح نبوده و خصوصاً در دوره‌ی پس از حمله مغول به علت انحطاط اخلاقی به وجود آمده فعالیت‌های بدنی و بازی و تفریح به طور کلی از بین رفت. سایر مولفه‌های مطرح شده در این بعد در بقیه ادوار وجود داشته و می‌توان آنرا به عنوان یک سرمایه نظام تربیتی کشور در نظر گرفت. اما در دوره ظهور سکولاریسم تربیتی در دوره‌های قاجار و پهلوی که می‌توان از مصادیق آن به توسعه و تاسیس مدارس مختلط، منع حجاب در برخی مدارس و رشته‌های دانشگاهی، کاهش تدریجی زمان و مواد تعلیمات دینی و عدم اهتمام جدی به تربیت معلم دروس دینی اشاره کرد (علم‌الهدی، ۱۳۸۱)، مولفه‌های مطرح شده در این بعد لاجرم کم رنگ تر شد.

1. authority

2. autonomy

– در بعد اقتصادی - رفاهی می‌توان گفت یکی از بزرگترین ضربه‌هایی که حمله مغول به فرهنگ ایران وارد کرد ایجاد فضای یاس و ناامیدی و گسترش تفکر دنیاگریزی در کشور بوده که باعث شد تا مردم به سطح پایینی از زندگی رضایت داده و به دنبال رشد و پیشرفت در این بعد نباشند.

یافته‌های نهایی موید آن است که :

در میان مولفه‌های تمدن اسلامی به طور کلی مولفه‌های کسب معرفت و علم‌آموزی، تزکیه، تقوا، خداپاوری، اعتقاد به زندگی پس از مرگ و نگاه اصیل به خانواده در نظام آموزشی بیشتر مورد توجه بوده‌اند. مولفه‌های تفکر، تربیت بدنی، روحیه خطرپذیری، روحیه تلاش و سخت‌کوشی، نفی تفکر دنیاگریزی، ارتقای توان کارآفرینی، تربیت افراد مسئول برای تغییر فکری امت و تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد در نظام آموزشی دوره‌های مختلف غایب بوده‌اند.

از سوی دیگر، مجموعه‌ی مولفه‌های مورد توجه نیز در یک دوره‌ی زمانی مجتمع نیستند. و این بدان معناست که در هر دوره فقط بخشی از مولفه‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند، در حالی که برای تحقق مولفه‌های تمدنی باید تمام یا دست کم اکثر آنها در نظام آموزشی مورد توجه قرار گیرند. به همین دلیل، صرف وجود رد پای این مولفه‌ها در برخی دوره‌های تاریخی موید کارکرد موثر آنها در تحقق مولفه‌های تمدنی و پیشرفت محسوب نمی‌شود. توضیح آن که، صرف نظر از کیفیت توجه به این مولفه‌ها، از نظر کمی نیز توجه به مولفه‌ها قابل توجه نیست. به گونه‌ای که از بیست و دو مولفه‌ی برشمرده شده به عنوان شاخص‌های تمدنی اسلامی، که آموزش و پرورش می‌تواند در تحقق آنها دارای نقش باشد، حداکثر ده مورد آنها در دوره‌ی استقلال ایران و نه مورد در دوره‌ی باستان که ایران دارای جلوه‌ی تمدنی برجسته‌ای است؛ و نه مورد در دوره‌ی قاجار که رویکرد خروج از عقب ماندگی ویژگی آن است، مورد توجه قرار گرفته‌اند. و در دوره‌های حذفاصل هجوم مغول تا دوره‌ی صفویه و نیز در دوره‌ی پهلوی کمترین توجه به این مولفه‌ها در آموزش و پرورش وجود داشته‌است. با توجه به رویکرد دولت‌های هجومی مانند مغول و دولت کودتایی سکولارگرا نظیر پهلوی، چنین کم‌توجهی به مولفه‌های تمدنی اسلامی در آموزش و پرورش کاملاً قابل توجیه بوده و مؤید تاثیر نوع جهت‌گیری حکومت‌ها بر نظام آموزشی هر دوره می‌باشد. توجه به این نکته نیز لازم است که اصولاً میان دوره‌ی پیش مدرن و دوره‌ی مدرن باید تمایزی ماهوی قایل شد، و ورود فرهنگ مدرن آموزشی موجب تضعیف برخی مولفه‌های اصیل و مورد توجه در تمدن اسلامی شامل تزکیه، تقوا، اعتقاد به زندگی پس از مرگ، نگاه اصیل به خانواده و تفکر شده‌است.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

منابع

۱. احمد، منیر الدین. (۱۳۶۸). نهاد آموزش اسلامی. محمد حسین ساکت. مشهد. انتشارات آستان قدس رضوی.
۲. الماسی، علی محمد. (۱۳۷۸). تاریخ مختصر تحول تعلیم و تربیت در ایران. تهران. رشد.
۳. ایروانی، شهین. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر تبیین ماهیت نظام آموزش و پرورش ایران از آغاز دوره مدرن‌سازی تا امروز. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، شماره ۴(۱): از ۸۳ تا ۱۱۰.
۴. آرامش پور، محسن (۱۳۹۲). گفتمان توسعه در ایران دوره قاجار (عصر ناصری). پایان نامه در مقطع کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم. تهران.
۵. آرمون پور، علی (۱۳۹۲). بررسی و تبیین مولفه های تمدن اسلامی در قرآن. پایان نامه در مقطع کارشناسی ارشد. دانشگاه اراک. اراک.
۶. آهنچیان، محمدرضا. (۱۳۹۳). آرمان شهر گرایی و تحول آموزش و پرورش. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، شماره ۴(۱): از ۷۳ تا ۸۲.
۷. باقری، خسرو. (۱۳۸۲). درآمدی بر فلسفه آموزش و پرورش ایران. نوآوری‌های آموزشی، شماره ۴: از ۹ تا ۴۸.
۸. درانی، کمال. (۱۳۷۶). تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام. تهران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۹. رضوی، مسعود. (۱۳۵۰). تربیت ایرانیان در شاهنشاهی پیش از اسلام. تهران. مدرسه عالی پارس.
۱۰. زیدان، جرجی. (۱۳۴۵). تاریخ تمدن اسلام. علی جواهر کلام. تهران. امیرکبیر.
۱۱. شاه‌حسینی، ناصرالدین. (۱۳۵۳). تمدن و فرهنگ ایران از آغاز تا دوره پهلوی. تهران. موسسه علوم بانکی
۱۲. صدیق، عیسی. (۱۳۵۴). تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. صلاحی، پرویز. بسناس، مهری. (۱۳۸۲). تاریخ مدارس خارجی در ایران. تهران. آوای نور.
۱۴. علم الهدی، جمیله. (۱۳۸۱). جریان های فکری تاثیرگذار در تربیت معاصر ایران. کتاب نقد، شماره ۲۲: از ۱۰۹ تا ۱۳۲.
۱۵. غیاثوند، احمد. (۱۳۹۲). مدل تحلیلی توسعه و پیشرفت اجتماعی و مراحل کار اندیشکده امور اجتماعی، جمعیت و نیروی انسانی. تهران. مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
۱۶. قائمی اصل، مهدی. (۱۳۹۰). ارائه شاخصی ترکیبی جهت سنجش توسعه انسانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و بکارگیری آن در رتبه بندی کشورهای اسلامی منتخب. پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق (ع). تهران.
۱۷. قدیری معصوم، مجتبی. (۱۳۷۹). سیری در مفاهیم و ابعاد مختلف توسعه. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۵۶: از ۱ تا ۱۶
۱۸. کرمی، محمد (۱۳۹۲). سیر اهتمام زمامداران دوره اسلامی به امر تعلیم و تربیت تا عهد مغول. پایان نامه در مقطع کارشناسی ارشد. دانشگاه زنجان. زنجان.
۱۹. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۴). جامعه شناسی. منوچهر صبوری. تهران. نشر نی.
۲۰. محسن پور، بهرام. (۱۳۶۱). نفوذ فرهنگ غرب بر نظام آموزش و پرورش ایران. رشد معلم، شماره ۱: از ۲۵ تا ۲۹.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۲۱. موریش، ایور. (۱۳۸۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت. غلامعلی سرمد. تهران. مرکز نشر دانشگاهی.
۲۲. موسی پور، نعمت‌الله. (۱۳۸۷). برنامه‌ریزی درسی در ایران معاصر. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۹۶: از ۸۳ تا ۱۲۴.
۲۳. نوروزی، علیرضا. حسنعلی بختیار نصرآبادی. (۱۳۸۷). تحلیلی بر جایگاه آموزش انفرادی در تاریخ ایران. تربیت اسلامی، شماره ۷: از ۱۰۵ تا ۱۲۶.
۲۴. وکیلان، منوچهر. (۱۳۷۶). تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران. تهران. دانشگاه پیام نور.